

ایران شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۶) / ایرج افشار
- کتابهای تازه ایران‌شناسی (۱) / تورج دریایی

تازه‌ها و پاره‌های

ایروانشناسی (۶)

ایرج افشاری

در این شماره از مجله، به بررسی و تحلیل برخی از یافته‌های جدید در زمینه روانشناسی و روانپزشکی پرداخته می‌شود. در ادامه، به بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری اختلالات روانی و همچنین به بررسی روش‌های نوین درمانی و مداخلات روانشناختی خواهیم پرداخت. در این مقاله، به بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری اختلالات روانی و همچنین به بررسی روش‌های نوین درمانی و مداخلات روانشناختی خواهیم پرداخت.

پنجاهمین سال درگذشت محمد قزوینی

پنجاه سال پیش، یکی از دو پایه‌گذار تحقیقات ایرانی، درگذشت. او محمد قزوینی بود. طلبه‌ای بود که نخستین خدمتش در راه فرهنگ مملکت همکاری در شرکت طبع کتاب بود. در آن شرکت محمدعلی فروغی کارکن اصلی بود و ماهی بیست و پنج تومان اجرت کارش بود. قزوینی در همان اوقات توانست خود را به انگلستان برساند. یکی از خویشانش در آنجا بود و وسایل رفتن او را فراهم کرد. موقعی که قزوینی جوان در تهران بود تحقیقات در ایران پایه درست و استواری نداشت. نهایت کارهایی که بتوان به آنها تحقیق نام نهاد کتابهای تاریخ تبریز، خادرن، میرزا آقاخان عجم فرسه الدوله، ابداع البدایع شمس العلماء، تاریخ شعزای ذکاء الضلک اول و نوع آن آثار بود. کتابخانه‌ای هم در ایران نبود که کارگشا باشد. کتابخانه سلطنتی برای مزاجه مردم نبود. مجلات و نشریات اروپایی که خاص مباحث شرق‌شناسی بود به ایران نمی‌رسید. تحقیقات ایرانی در آن وقت مفهومی نداشت. حتی تصحیح متون پایه ناستواری داشت. قزوینی چون به درمائی علم‌فرونگ رسید و از زلال آن نوشید لجان گرفت. از نشیبت و خاست با بزرگان و شرق‌شناسانی که در انگلیس بودند بروش علمی را آموخت. از خوانه‌های کتب لندن و کمبریج بهره‌وریها یافت. با تروق دوره‌های مجله‌های شرق‌شناسی، مطالب مقاله‌های ارزشمند

گذشتگان پیش از خود وقوف پیدا کرد. از دیدن و خواندن مجموعه باراه و روش تحقیق آشنا شد. با دستمزدهای ناچیزی که از قبل همکاری با ادوارد براون به او می رسید امرار معاش می کرد ولی استمرار خدمات علمی او تضمین شده بود. سالها پس از آن هم از اوقاف گیب مبلغی بابت حق تصحیح جهانگشای جوینی دریافت کرد

در دوره جنگ جهانی اول از پاریس به برلین رفت به دعوت سید حسن تقی زاده. امرار معاش آنها از ممره مؤونه ای بخورو نمیر بود که دولت آلمان به آنها می پرداخت. تقی زاده مسؤول و متصدی آن امور بود. تا این که مرحوم محمدعلی فروغی در دوره خدمتگزاری دولتی خود، برای او مبلغی به عنوان کمک خرج پادار کرد. قزوینی چند بار تا آنجا که به یادمانده است به این موضوع در نامه های خود به تقی زاده اشاره کرده است. پس، بجز براون و اوقاف گیب محمدعلی فروغی است که کمک مؤثر به قزوینی برای آسوده بودن خیال او در تحصیل مخارج زندگی کرد. قزوینی درآمد دیگری نداشت. صاحب ملک و مال نبود. اواخر خانه ای کوچک در پاریس داشت که درآمد چندانی از آن به دست نمی آمد.

رفتن قزوینی به برلن برای او فوز عظیمی بود از باب اینکه توانست نسخ خطی آلمان را تا حدودی که اوضاع جنگ اجازه می داد ببیند. جزین فرصتی دلپسند بود که با مستشرقان معتبر آلمان مانند نولدکه و مارکوات و روزن و میتوخ و دیگران ضمن نشینی و همسخنی داشته باشد و از راه و روش بسیار مستحکم و کم مانند آنان در تحقیقات مستفید شود. روش مطالعات آلمانی در شرق شناسی همیشه شهرت داشته و معتبر بوده است.

تربیت علمی علامه قزوینی ناشی و برآورده این حوادث و مساعدت آن اشخاص و آن جریانات است.

از یادگارهای مهم قزوینی که ماندگار خواهد بود یادداشت های علمی و انتقادی اوست که در ده جلد چاپ شده است و اصل آنها در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه نگاهداری می شود. این یادداشتها باید الگوی همیشگی برای کلیه دانشجویانی باشد که در رشته های تحقیقات ایرانی تحصیل می کنند. می باید معلمان بروند و آنها را به دانشجویان خود نشان بدهند و روش «برگه نویسی علمی» درست تبیین و توضیح بشود.

این یادداشتها زنده شده دانایی و امانت داری و علم دوستی دوست قزوینی است و آن شخص دوست همیشگی او سید حسن تقی زاده بود که دانشگاه تهران را پس از وفات قزوینی به فاصله کوتاهی و ادار به چاپ آنها کرد. قزوینی بی دلیل نبود که تقی زاده را به وصایت برگزیده بود. به مراتب همت و دقت و دوستی و شہفتگی او به علم وقوف داشت. قزوینی در وصیت نامه خود ادبی اشارتی به چنین وظیفه ای برای وصی خود نکرده بود. این تقی زاده بود که بخواست

میراث علمی دوست چهل ساله اش به گروه فراموشی نماند. (۱) در نتیجه این تلاشها
این چند کلمه را ازین باب نوشتم که اگر یاد قزوینی را به حق به مناسبت پنجاهمین سال
درگذشتش می‌کنیم از کسانی که یاز و یازو او در دوران حیات بوده‌اند یادى شده باشد، البته نام
دو تن دیگر را هم نباید فراموش کرد یکی دکتر قاسم غنی است و دیگری عباس اقبال آشتیانی.

زمین و علوم آن در نسخه‌های خطی

مؤسسه الفرقان، پنجمین کنفرانس خود را - که هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود - به
موضوع نسخه‌های خطی مربوط به زمین اختصاص داده بود. کنفرانس دو روز بود. (آبان ماه).
عنوان جلسات سخنرانیها در روز نخست «جغرافیا در تمدن اسلامی» بوده هفت سخنرانی درین
روز ایراد شد با این عناوین:

(۱) رشدی راشیدی: علوم محاسباتی زمین (امروز: رشدی راشیدی، عالم مصری، در زمینه
ریاضیات اسلامی از ناموران است)

(۲) عبدالله یوسف الغنیم: نکته‌هایی درباره تصحیح متون جغرافیایی (ایشان استاد جغرافیا
در دانشگاه کویت است. اخیراً دو کتاب ازو نشر شده: یکی فهرست نسخ متون جغرافیایی عربی
در انگلستان و دیگر کتابی درباره مروارید و صید آن و تاریخ آن).

(۳) ابراهیم شتیوح: نظراتی به بعضی از مشکلات متون جغرافیایی (ایشان متخصص تاریخ
هنر اسلامی و نسخ خطی است. اصلاً تونسسی است و اکنون امین و مجمع پادشاهی مطالعات
تمدن اسلامی در عمان، امانت. پنج سال رئیس کتابخانه ملی تونس بوده است)

(۴) رجیس مزلون: جغرافیا و نجوم (ایشان مدیر مؤسسه مطالعات شرقی، فرقه دومی نیکن
در قاهره است)

(۵) جان جست ویتکام: متون [عربی] چاپ شده جغرافیایی (ایشان متصدی نسخ خطی
شرقی در دانشگاه لیدن بود و از سال ۱۹۸۸ در بخش پژوهشی مدرسه CNWC به تحقیق
مشغول است. او مؤسس و مدیر مجله نسخ خطی خاورمیانه است. تاکنون شش دفتر از آن نشر
شده است).

(۶) ایمن فؤاد سید: متون [عربی] چاپ نشده جغرافیایی (ایشان هرزاند فؤاد سیدست. فؤاد
سید از نسخه شناسان شهیر عالم عرب و از مبتکرین این فن در مصر بود. ایمن خود نسخه
شناس و محقق در متون جغرافیای قدیم و مؤلف کتابی به عربی در مباحث نسخه‌شناسی
است).

(۷) اکمل الدین احسان اوغلو: یادداشتهای مقدماتی درباره نسخه‌های خطی جغرافیایی در

نوشته‌های علمی عثمانی (ایشان مدیر مؤسسه فرهنگی و علمی کنفرانس اسلامی در فلنتاتبول و نایب رئیس مؤسسه الفرقان و افتاد تاریخ علوم اسلامی در دانشگاه استانبول است. کتابهای متعددی به اهتمام و مباحث او در زمینه کتابشناسی و تاریخ و علوم نشر شده است.)

سخنرانی‌های روز دوم به سه بخش تقسیم شده بود. عنوان بخش اول کیمیا بود. در این بخش یک سخنرانی توسط نعمان الحق (استاد دانشگاه راتجز - آمریکا) راجع به مجموعه آثار جابر حیان ایراد شد. عنوان بخش دیگر معدق شناسی و مباحث دیگر طبیعی بود. چهارم ناهه نظامی (تألیف ۵۹۳) موضوع گفتار این جانب در آن مجمع بود.

بخش پایانی گیاه و کشاورزی عنوان داشت. و دو سخنرانی در آنجا انجام شد. یکی از م. زوتنا (ایتالیایی) درباره رساله گیاهان ارسطو که از میان رفته است. دیگری توسط بن مراد درباره روش خواندن و چاپ کردن نامهای گیاهان.

در پایان یوسف ایمن و رشدی رشد اهمیت مباحث مربوط به علوم خاص زمین (جغرافیا، کشاورزی، جواهر و...) را مورد نتیجه گیری قرار دادند.

انتشارات و یخوت

Reichert Verlag در ویسبادن آلمان از مؤسسات انتشارات بنامی است که کتابهای تحقیقاتی درجه اول کم مصرف منتشر می کند. از کتابهای سهمی که از سال ۱۹۹۷ به بعد در زمینه ایران شناسی انتشار داده اینهاست.

Beitrage zur altpersis. Inschrif.tem

کتابهای ایران باستان تألیف Rudiger Schmit در ۲۸ صفحه در توضیف و ترجمه کتیبه‌های نقش رستم و تخت جمشید. (۱۹۹۹)

کتاب دیگر در پژوهش لهجه کردی زازاست به نام Zazaki نوشته Paul Ludwig در ۳۸۸ صفحه (۱۹۹۹). این کتاب دو سلسله انتشارات آن مؤسسه ذیل عنوان Beitrage zur Iranistik

طبع شده است. کتاب دیگر جلد دوم از مجموعه خطابه‌های سومین مجمع ایران شناسان اروپاست. تحت عنوان Mediaeval and Modern Perlian Studies, edited by Charles Melville. چاپ شده.

این مجموعه در ۲۳۶ صفحه است و به سال ۱۹۹۸ انتشار یافته است. مقاله‌ها از نصرت الله رستگار - مانفرد لوتنتزه - هورویون - پائولا اورساتی - محمد جمشید یاحقی - فریدون وهمن - گابریل واندنبرگ - مرجان مشکور - جاوید مجددی - آنابل کیلر - دانیل پترسون - هایده قمی - رابرت گلنود - محسن ذاکوی - سیورگین بل - کریستف اورلوا - هلنی اضطر - مصدق - لطیفه حقیقی -

رالف کوتز - باربارا برند - لیزا گلمبک - هایده لاله و دیگران است.

کتاب دیگر کتیبه سنگ قبور شیانیان است تألیف بختیار بابا جانف و عاشریک مؤمن اف و Jürgen Paul در ۳۰۲ صفحه (۱۹۹۷). مقصود از شیانیان ملوک شیانی است که در قرن دهم در ماوراءالنهر سلطه داشتند.

خدامان فرهنگ ایران باستان

در یکی از کتابفروشیهای ایرانی لوس انجلس با آقای شایان افشار آشنا شدم. معلوم شد ایشان تحصیلات خود را در رشته ایرانشناسی به پایان برده و در دانشگاه برکلی تحصیل کرده است. او یادداشت مرا در شماره هفتم بخارا مربوط به نام پژوهش کنندگان ایرانی هر رشته فرهنگ ایران باستان دیده بود و به حق یادآور شد که نام دکتر داود منشی زاده در آن یادداشت نبوده است. گفتم حق دارید، از قلم فرو افتاده است. حافظه یاری نکرده بود. ایشان نام دو تن از کسانی را که در آمریکا زندگی می کنند و از خیل پژوهندگان رشته فرهنگ ایران باستان در شماره به من گفت که متأسفانه آگاهی از تحصیل و کار آنها نداشتم. یکی آقای سیلنک ادهمی که از متخصصان زبان پهلوی است و در لوس انجلس زندگی می کند و کارهایش به زبان انگلیسی است. دیگری کورش انگالی مقیم برکلی است که بنا به گفته شایان افشار مطالعات تازه ای را در زمینه گویشهای محلی پیش گرفته و به ایران هم سفر کرده است تا تحقیقات خود را بر پایه مشاهدات و معاینات شخصی قرار دهد.

به آقای شایان افشار گفتم خبر نداری خودم نامهای افراد دیگری را یافته ام که می باید بر آن جدول افزود و به تدریج آن را تکمیل کرد. به ایشان گفتم از جمله در فهرست مقالات مندرج در سه دوره از همایش «پژوهش در فرهنگ باستان و شناخت اوستا» که در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۸ نشر شده است (جمعاً در شش مجلد) نامهایی دیده ام که نمی شناختم. به هر تقدیر صورت دومی از منابع مختلف توانسته ام ترتیب بدهم که چنین است:

آذر گشسب، اردشیر

آذر گشسب، فیروز

آشتیانی، جلال الدین (مهندس)

ادهمی، سیامک

اشیدری، جهانگیر

اکبرزاده، داریوش

امیر جاهد، کورش

انگالی، کورش

اورنگ، مراد

ایرانی، داریوش

بختورتاش، نصرت

برومند سعید، جواد

بهرامی، احسان

جعفری، محمود

چرخچی، عباس

خالقی مطلق، جلال

خدادادیان، اردشیر

خزاعی، خسرو

خنجری، خداداد

دولت‌شاهی، عمادالدین

دهدشتی، آذرمیدخت

راستین، منصور

ساسانفر، عباس

سعادت، منوچهر

شهرینی، مهربان

عاصمی، مصطفی

عشقی، خانک

فریده، فتانه

قادری، تیمور

کاوایی، منصوره (شیوا)

گشتاسب پورپارسی، مهربان

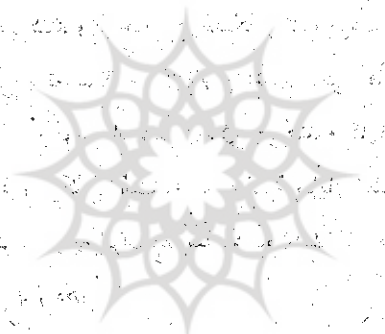
گویری، سوزان

معظمی، مهناز

مجتبیائی، فتح‌الله

مفرد کهلان، احمد

مهر، فرهنگ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

پیش ازین هم تأکید کرده‌ام که نظر من بر کوچک‌نگری تحقیقات این افراد اصم از فراز و فرود، یا ابدایی بودن و نبوده آثارشان نبوده است. نوشته هر یک از آنان خود گویای ژرفایی کار آن کس خواهد بود. نظر من به نشان دادن دامنه‌ی علاقه‌ای است که درین رشته پیدا شده است. طبعاً هنوز اسامی افرادی به دستم خواهد آمد که می‌توان برین صورت افزود.

تورکشناسی در آمریکا

با ابرخ دویاتی صحبت بر سر وضع ایران‌شناسی در آمریکا بود و این نکته که به تدریج این رشته رو به کم شدن و بسته شدن می‌رود، استادی که به بازنشستگی می‌رسد محل حقوقش مسدود می‌شود و کسی به جای او بر نمی‌گزینند. می‌گفت حالا دیگر در ویوسا ال ال UCLA تدریس فرهنگ و زبان ایران باستان نمی‌شود. در بروکلین هم آن است که پس از بازنشستگی شوارتز آن کرسی را حذف کردند. اما می‌گفت ترکان بیدار با دادن هشت میلیون دلار به هشت دانشگاه معتبر دوام تدریس ادبیات و زبان ترکی و تاریخ عثمانی را در آن هشت دانشگاه مستمر کرده‌اند.

امیدست اکنون که سازمان گسترش زبان فارسی در آمریکا فعالیت دارد بتواند در کنار نشر مجله گلستان و برگزاری جلسات سخنرانی نسبت به تحقیق و تدریس دانشگاهی راههای استواری را پیش بگیرد که پایدار بماند و مطالعات ایران‌شناسی معمولاً منحصر به یک قرن اخیر نباشد. این رشته در زمینه‌های فرهنگ ایران باستان و دوره اسلامی تا عصر صفوی باید گسترش بیابد. جاکسن و کامرون و درسدن در همین سرزمین بوده‌اند. اکنون که جمعیت ایرانی درینگی دنیا بالغ بر میلیون است تحقیقات ایرانی هم متناسب آن گروه باید دامنه بگیرد.

کتابهای تازه کلوس شوارتز

مؤسسه انتشارات کلوس شوارتز (بولن) Klaus Schwarz مجموعه‌ای انتشار می‌دهد به نام Islam kundliche unternuchungen که تعداد انتشارات آن تا سال جاری به ۲۲۴ مجلد رسیده است. این کتابها عموماً رساله‌های دکتری فارغ‌التحصیلان دانشگاههای آلمان و گاه از کشورهای دیگرست.

از کتابهای تازه این مجموعه در سالهای اخیر که به ایران ارتباط دارد اینهاست:

7. Bakhtiar, Mansour: Das Schamgefühl in der persisch - islamischen Kultur. Eine ethnopsychanalytische Untersuchung. 1994. 164 S.

191. Kauz, Ralph: Politische Parteien und Bevölkerung im Iran; Hezb - e Demokrat - e Iran und ihr Führer Qavamo - s - Saltana. 1993. iv, 332 S.

220. Khasravi Sharoudi, Hamid: Zur Problematik des Demokratisierungsprozesses in Iran. Eine Sozio - kulturelle Analyse anhand von Entstehung und Scheitern der Konstitutionellen Bewegung von 1906. 1998. 280 S.

203. Sadeghi, Zohreh, Fatima von Qum. Ein Beispiel für die Verehrung heiliger Frauen im Volks glauben der Zwölfer - Shia. - 1996. 223 S.

195. Stimpel - Hatami: Das Christentum aus der Sicht zeitgenössischer iranischer Autoren. Eine Untersuchung religionskundlicher Publikationen in persischer Sprache. 1996. 393 S.

صد کتاب قرن

دو ستم مجید روشنگر پرستشنامه‌ای فرستاده بود و پاسخ می‌خواست، سؤالش این بود که صد کتاب فارسی مهم و اثرگذار این قرن کدامهاست. ترجمه‌ها منظور نظرش نیست. از میان کتابهای تألیفی می‌باید این فهرست تنظیم شود. سؤال بجایی است. من به او نوشتم این صد سال را با چشم پوشیدن از پنج سال می‌توان از سال ۱۹۰۵ (صدور فرمان مشروطیت) آغاز کرد. دیگر این که بهترین آن را به دو دوره تقسیم کرد تا سهم هر یک از آن دو دوره مشخص تر شناخته شود. این دو دوره می‌تواند چنین باشد: یکی از مشروطه تا شهریور بیست (حدود پنجاه سال) و دیگری ازین شهریور تا امروز (حدود شصت سال).

دیگر این که کتابهای مرجع مهم را تا چه اندازه می‌توان در چنین فهرستی وارد کرد. آیا الذیعه، فهرست کتابهای چاپی، مؤلفین کتابهای چاپی فارسی، احوال و آثار خوشنویسان، ریحانة الادب را می‌خواهید در حساب بیاورید یا نه. هیچ یک ازین چند کتاب در قلمرو خود از حیث فایده بخشی دست کمی از دائرةالمعارف مضامین ندارد. پس من باید به انواع نظر داشت تا کتابی که

شایسته است از قلم نیفتد. به این پرسش مهم باید با دقت و متانت جواب گفته تا نتیجه‌ای ماندگار عرضه شود. شاید هر چه بیشتر به این پرسش پاسخ گفته شود نتیجه‌گیری اطمینان بخش‌تر خواهد بود.

فارسی در دانشگاه امری

دانشگاه امری در اتلانتایست، از ایالت جورجیا، دانشگاه معتبری است. همین قدر بدانید که مالک کوکا کولا ثروت بیکران شماره شمار خود را به این دانشگاه بخشش (یعنی وقف) کرده است. به همین مناسبت کتابخانه تحقیقاتی بزرگ دانشگاه به نام اوست. گفتند دو میلیون کتاب دارد. ساختمانش تازه‌سازست. فضای درونش دلباز و دلگشا و چشم‌نوازست. هنر و صنعت و نظافت و زیبایی را با آخرین تجلیات و قدرت درین بنا دیدم. شعبه خاورمیانه آن تا دو سال پیش مخصوص به مطالعات زبان و ادبیات عبری و تاریخ و فرهنگ یهودی بوده است، به تازگی در آنجا تدریس زبان فارسی و رشته ایران‌شناسی پایه‌گذاری شده است. مدرس زبان فارسی آن فرانک لوئیس است. جوان است و هوشمند. ادبیات‌شناس زبان ماست، پرخوان و بسیار دان است. رساله دکتری‌اش در موضوع اغزل‌سنایی است و اهمیت غزلهای او و قوالب آنها، در امریکا محققانی که به ادبیات کلاسیک ایران بپردازند معدودند. مارژین دیکسن بود که درگذشت. جروم کلیتون و ویلیام هنری و پل اسپراکمن و چلکونسکی از علاقه‌مندانی اند که می‌باید ممنون همت و کارشان بود. البته نام خانم دیویدسن و آقای دیوید را نباید فراموش که هر دو از مشاهیر کنونی در شاهنامه‌شناسی اند. فرانک لوئیس شاگرد حشمت مؤید بوده است. خوب درس خوانده‌است از کلاسیک و اطلاعاتش استواری دانش او مشهود است. گفت کتابی درباره مولانا و دیوان شخصی نوشته است که تا چند ماه دیگر انتشار خواهد یافت. طرفه اینجاست که به ادبیات معاصر ایران هم گوشه چشمی دارد. کتابی نشر کرده‌اند که مجموعه چند داستان کوتاه از نویسندگان زن ایرانی است. مزدا ناشر آن است. رساله دکتری او که کتابی کاملاً تخصصی و تحقیقاتی است قرار است در سلسله انتشارات معتبر مؤسسه تحقیقات شرقی آلمان (شعبه بیروت) چاپ بشود. اگر این کتاب پژوهشی اساسی نبود آن مؤسسه نپذیرفته بود که آن را چاپ کند. دانشمند دیگری که درین شعبه دهم و نادر رستگار به من معرفی کرده‌اند دکتر دین استوارت بود. ایشان از دانشگاه پرینستون درجه دکتری گرفته است. این دانشگاه یکی از پنج شش دانشگاه طراز اول ینگی دنیاست. کتابخانه‌اش معروف خاص و حتی عام است.

عنوان رساله دکتری استوارت (Islamic Legal Orthodoxy (Twelver Shiite Responses to the Summi Legal System) the Summi Legal System) منتشر در مؤخره کتاب از چند دانشمندی که حق مطعی و هدایتش را داشته اند نام برده. در آن میان نام عالم این مباحث دکتر حسین مدرس طباطبائی (یزدی قمی) را دیدم. ایشان اکنون استاد رسمی مادام العمر در آن دانشگاه است.

استوارت در تألیف این کتاب عمده منابع و مأخذ، از متون اصیل مربوط به فقه امامیه بهره دیده است. در کتابشناسی نام آنها دیده می شود. در مقدمه، که بحثی از مأخذ و مصادر تحقیق خود می کند از شیخ آقا بزرگ طهرانی با اعجاب و احترام یاد کرده است. (به مناسبت کتاب الذریعه).

عنوان سه مقاله دیگر مؤلف و گفتگوی بای گستره کار او است می آورم.

1) Husayn b. Abd al. Samad al - 'Amili's Treatise for sultan Suleiman and the Shi'i shafi'i-legal tradition. Islam Law and Society. Leiden, Brill, 1997. 11. 156 - 199

2) Notes on the migration of 'Amili scholars to safavid, Iran. INES. 55 NO. 2 (1996), M. 81 - 103.

3) The first Shaykh of - Islam of the Safavid Capital Qazvin. JAQS. 116 (1996). 11. 387 - 405.

استاد رئیس شعبه را هم دیدم. متخصص ادبیات عربی و عرب لغت شناسی شناس است. گفت حالا مشغول مطالعه و تحقیق در کتاب سیره حضرت رسول (ص) تألیف ابن اسحاق است. نمی دانست کتاب سیره هفتصد سال پیش به فارسی ترجمه شده و اصغر مهدوی چاپ کرده و مقدمه ای پر مایه بر آن نوشته است.

دربین دیدار دکتر منوچهر خطیبی و مهندس نادر دستگار حضور داشتند.

میترا نیسم

A. D. H. Bivar دانشمند ایران شناس انگلیسی و استاد دانشگاه لندن و رئیس اجرایی مجموعه کتیبه های ایرانی سلسله خطابه های دربار میترائی و آیین مرتبط به آن در دانشگاه لوس آنجلس ایراد کرده است. این مجموعه در سلسله انتشارات Bibliotheca Persica اخیراً نشر شده به نام

The Personalities of Mithra in Archaeology and Literature, 1998. 140p.

فهرست مندرجات آن برای آگاهی علاقه مندان نقل می شود

Chapter 1: The Personalities of Mithra

Chapter 2: The Five Emanations of Mithra.

Chapter 3: Mithra in Near Eastern Syncretism: Some Archaeological Evidence.

Chapter 4: Some Babylonian Influences, and the Late Survival of Mithraic Concepts.

Appendix A: Plato and Iran.

Appendix B: The Iranian Tradition Concerning Visits to the "Afterlife"

Appendix C: Specimen chapter from *Nurafgan*, by Ali Mirdrakvandi, known as Gunga Din. Transcribed and edited by J. F. B. Hemming.

مسائل مالی عصر صفویه

از ویلیام فلور کتاب تازه‌ای نشر شد. کتابی است با اهمیت درباره وضع اقتصاد و مالی ایران در عصر صفوی مندرجات آن چنین است.

Chapter 1: The Political Economy of Safavid and Qajar Iran.

Chapter 2: The Role of Safavid Government and the Assignment of Revenues.

Chapter 3: The structure of the Financial Administration.

Chapter 4: Land Ownership in Safavid Iran.

Chapter 5: The Safavid and Afsharid Fiscal System.

Chapter 6: Change and Development in Government Fiscal Policy.

Chapter 7: The Role of the Qajar Government and the Assignment of Revenues.

Chapter 8: Structure of the Fiscal Administration and State Budget.

Chapter 9: Structure and Development of Tax Revenues.

ورد

سمعانی در الانساب نسبت ماوردی را از «الماورد» دانسته و نوشته است: هذه النسبة الى بيع الماورد وعمله واشتهر جماعة من العلماء بهذه النسبة لان بعض اجداده كان يعمله او يبيعه» (چاپ حیدرآباد، ۱۲: ۶۰).

ماورد می‌باید صورت مخفف شده ماء‌الورد (گلاب) باشد که در شعر فارسی قدیم تا عصر سعدی آمده است. متوجهی می‌گویند:

گویی که مشاطه زیر فرق هروسان ماورد همی ریزد باریک به مقدار

یا خاقانی سروده است:

ماورده و ریحان کن طلبه، توزی و کتان کن سلب

وز می گلستان کن اولیبت، آنجا که این چهار آمده

و این بیت از سعدی است:

غیبناو خط سبزه نشسته بر گل روی چنانکه مشک به ماورد بر سمن سایی

اینبار این همانطور که سمعانی گفته است: ماورده ای حضورت المهر مشوبه به ماورد (گلابگیر -

گلابغروشن) است.

اما از تنویبی غده ای از نامهای جغرافیایی از می یابیم که یا پسوند «ورده» (گل) ترکیب شده اند.

آنها که من می شناسم اینهاست:

ابیورد: شهر معروف خراسان که انوری بدانجا منسوب است.

باغ ورد: آبادی در فارمن که ذکرش در عنبروت موقوفات اسادات انجو (قرن هشتم) آمده (نسخه

کتابخانه مرعشی در قم)

باورد: دو جا از آبادیهای بندرعباس و بندرنگه

بلورد: از آبادیهای شیرجان و طایفه نوده یک شیراز.

سنگورد: آبادی مذکور در کتاب القلائد، مکر علمای و مشرفان (قرن پنجم) (صفحه ۵۲).

سیورد: آبادی نوده یک اوس در راه اهر به پیشکین مذکور در زبدة التواریخ حافظ ابرو (صفحه ۶۰)

مالورد: از آبادیهای میان اصفهان و فارس مذکور در ذیل تاریخ گزیده (صفحه ۲۸).

نیساورد: نام مدرسه مشهور اصفهان.

کلمه ورد در پیشوند نامهای جغرافیایی هم آمده است از جمله:

ورداورد: نزدیک تهران در راه کرج و نیز از آبادیهای توپسکان.

وردان: از آبادیهای سلماس و نیز از آبادیهای بخارا (در انساب سمعانی و تاریخ بخارا ذکر شده

است).

وردجات: در بویراحمد

ورده: در تاریخ بخارا ذکر شده است.

وردوق: از آبادیهای خلخال.

وردیج: آبادی کوهستانی نزدیک کرج.

وردهین: از آبادیهای اهر.

در نام اشخاص هم دیده می شود از جمله نام زندورد که صفدی (۴: ۶۰: ۸۱) آورده است. وزیر

بن زندورد عروضی، نامهای وردان و وزیر و وردان فداه هم از همین ذمیره است. آیا ممکن است

آبادی هم در روزگاران پیشین به نام ماورد وجود می داشته است. یعنی «مله در آن کلمه عربی

وبله نیوده باشد و به مشابهت تعبیر به «مفاد شریفه است» می‌باشد و به نقل از همانجا و در همانجا
 در سال ۱۳۸۸ و به نقل از همانجا و به نقل از همانجا و به نقل از همانجا و به نقل از همانجا
 دنیای مخطوطه خطی (۱۳۸۶) و به نقل از همانجا و به نقل از همانجا و به نقل از همانجا
 یکی از بهترین کتابهای عربی در زمینه راه و روش شفاخیمه التانیی المخطوطه‌های خطی اسلامی از
 حیث کیفیات ظاهری و جسمانی آنها به قلم ایمن فؤاد سید (در دو جلد بالغ بر ۵۵۶ صفحه متن
 و مقادیری، نمونه عکسی از نسخه‌ها) به دست رسیده و چشم‌نواز و روشناهی بخشیده پیش ازین
 چند کتاب اجمالی در همین زمینه از نوشته‌های نسخه‌شناسان عرب دیده بودم ولی این کتاب
 ارجمند از لونی و کمالی دیگرست.

نام این کتاب «الکتاب العزیمی المخطوط و علم المخطوطات» است در مصر به سال ۱۹۹۷
 انتشار یافته است. کاغذ و چاپ متن متناسب و خوب است. اما چاپ نمونه‌های عکسی
 مخصوصاً عکسهایی که رنگی چاپ کرده‌اند خوشنم و خیرش رنگ‌ها نیست. گویای مقام
 نسخه‌های خطی مضبوط و مشخص نیست.

ایمن، فرزند فؤاد سید است. فؤاد سید از نسخه‌شناسان و پایه‌گذاران فن نسخه‌شناسی مصر
 بود. در دنیای علم عربی شهرت کامل دارد و با مجمع مخطوطات العربیه همکاری داشت.
 مقالاتش در زمینه مسائل نسخه‌شناسی از کارهای پایه‌ای در شمار بود و بهجت کتاب طبقات
 الاطباء تألیف ابن الجبل را با مقدمه ممتاز به طبع رسانید. فضل الامتزاز و طبقات المعزله
 تألیف قاضی عبدالجبار را طبع کرد (۱۹۷۴). در تصحیح کتاب «العزیمی» فیه تفسیر من غیره تألیف
 ذهبی بنا دکتر صلاح الدین المنجد همکاری داشت. دو فهرست برای دارالکتب المصریه نوشت:
 یکی در مصطلح الحدیث (۱۹۵۶) و دیگری مخطوطات تصویب‌شده در بهلوله (مجله ۱۹۵۴).
 (۱۹۶۴) از مقاله‌های معتبر او یکی «دو نقش قدیمی در باره عماریه دانش‌کتاب است» (مجله
 معهد المخطوطات العربیه) (۱۹۵۸) و دیگری «نوادیر المخطوطات فی مکتبه طلعت» (در همان
 مجله ۱۹۵۷).

ایمن در دانشگاه‌های قاهره و سورین (فرانسه) درس خواند و دیپلمه دکتری دولتی از فرانسه
 دریافت کرد. بعد دو کتابخانه ملی مصر (دارالکتب القومیة) و دارالکتب المخطوطات العربیه
 متصدی چند طرح تحقیقاتی بود. همچنین با مؤسسه‌های مطالعات شرقی فرانسه و آلمان در
 قاهره همکاری داشته است.

از زمره تألیفات مفید او کتابی است در تاریخ دارالکتب المصریه (۱۹۸۶) و بخش معرفی
 تاریخی مداوای مصر در حضور قبل از لیبیان در کتاب «تاریخ المنوفس فی مصر» (۱۹۹۲).
 ایمن فؤاد سید تاکنون ده متن عربی را انتشار داده است از آن زمره است «الوقوفه السیهة»

الزاهرة فی خطط المعزیه القاهره، تألیف ابن عبدالظاهر مصری (۱۹۹۶) - قسمت مصر و شام و حجاز از کتاب مسالک الابصار فی ممالک الابصار تألیف احمد بن یحیی الممری (۱۹۸۵) - بخشهایی از اخبار مصر تألیف محمد بن عبیدالله المسبحی (۱۹۸۱) - مسوده کتاب المواظع و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار تألیف تقی الدین مقریزی که در سلسله انتشارات مؤسسه الفرقان به طبع رسیده است (۱۹۹۸).

کتابی که از ایمن در متن نسخه‌شناسی به تازگی انتشار یافت در سه باب است؛ مباحث مربوط به مخطوطات در مآخذ قدیم - مخطوطات به وضعی که به دست ما رسیده است - نمونه‌های نسخه‌های خطی.

در باب اول ایمن ما را از راه‌های گذشته و تاریخ مخطوطات آشنا می‌کند. در این باب صحبت اصلی بر سر ورق نوشته است یعنی بزودی (پاپیروس)، پوسته، کاغذ، نیز ترکیب و صفاتی. بحث از تجلیدهای ممتاز مصر، ممالیک هم از موضوعات این قسمت است.

خط و تطور و انواع آن بخش دیگری از این باب است. بحث در آن بحثی عالمانه درباره روش تألیف قدما و طرق تدوین حدیث و تاریخ و شعر پیش آورده است.

از مباحث مهم این باب مسئله عوجه قدما به نسخ اصلی است و نظر بزرگان چون ابن ندیم - یاقوت حموی - فقهی - صفدی - مقریزی - سخاوی - سیوطی را درین باره آورده و موارد و شواهدی را از متون تألیفات آنها نقل کرده است. همه دلالت دارد بر اینکه قدما چه کتابهایی را به خط مؤلف آن خوانده و دیده‌اند.

به دنبال آن صحبت از کار و ارفاق و عمل و راقق و بازاری‌ها و آنان و تدلیسهای را که این طبقه در کار روا داشته‌اند پیش آورده و تاریخ و دل‌انگیز عرضه کرده است.

آخرین قسمت باب اول سخنی است اجمالی ولی مستند درباره کتابخانه‌های قدیم در ممالک مصر و عثمانی. در باب دوم چهل صفحه درباره قرآن گویم است و تاریخچه جمع و نگارش و استکتاب آن. بعد سخنی درباره قرآنهای ابن بواب - بیبرس چاشنی‌گیر - اولجاپتو و مصحفهای ممالیک و عثمانی.

از مباحث مهم این باب اطلاعات و منبع، تازه و مستندی است که درباره مسودات و میضات تألیفات مهم قدما موجود است (به اصطلاح معمولی ما چوک‌خویس و پاک‌نویس).

از مسودات مهم که نام برده بطور مثال و از آن و فیات الاحیان - کتاب الفین - الوافی بالوفیات - المواظع و الاعتبار مقریزی (که خود او چاپ کرده است) - کشف الظنون حاجی خلیفه است. درین باب قسمتی به مخطوطات تزئینی و نحوه ضبط تاریخ کتابت و مخطوطات وقفی و طرق تملک نسخه (نوشتن نسخه برای خود - خرید - هاریه گرفتن - هبه) اختصاص یافته است.

اجازات سماع و قرائت و مناوله و قیود مربوط به مقایله نسخه بخش دیگرست ازین باب.
مؤلف درین باب بخشی را به وضع و مخطوطات عربی در دنیای کنونی و فهرست‌های آنها
اختصاص داده است. درفاکه توجهی به باورهای ترکیب نداشته و نتوانسته است اطلاعاتی از نسخ
خطی عربی که در ایران و هند و ماوراءالنهر هست به دست بدهد.

آخرین مبحث کتاب به روش تحقیق در مخطوطات و آداب نشر و مطالعه زبانی در آنها
مربوط است. می‌دانیم که درین زمینه پیش ازو عبدالسلام هارون و دکتر صلاح الدین منجد
رساله‌های محکم و مبتکرانه نوشته‌اند.

نمونه‌هایی که به چاپ رسیده تقسیم شده است به مصاحف - نسخه‌های تاریخ‌دانان نسخ
مضبوط (به خطوط مشاهیر یا از روی خط مؤلف) - نسخه‌های خط مؤلف - نسخه‌های خط
علما - نسخه‌های به رسم خزانه - نسخه‌های وقفی - نسخه‌های مصور (جداً یکصد و هفتاد و
پنج نمونه)

ماخذ مؤلف عبارت است از متون قدیم عربی (از هفتاد و هفت مؤلف و تقریباً نود کتاب) -
تحقیقات و مقالات عربی معاصر یا ترجمه شده از زبانهای خارجی - مراجع اروپائی. مجموعاً
فهرست خوبی است از آنچه درباره نسخه‌های اسلامی (مخصوصاً عربی) وجود دارد.
استواری و اهمیت کار مؤلف بر دو اصل است: یکی مراجعه به متون قدیم تواریخ و ادب و
استخراج مخصوص مطالب و دیگر مراجعه به نسخه‌های خطی به منظور استنباط دقیق و
قواعد.

نکته‌ای که از نظر ما ایرانیان درباره این کتاب باید گفت مورد نبودن آن تقریباً از هرگونه
اطلاعات ایرانی است. البته مؤلف کار خود را محدود به مخطوطات عربی کرده است و نباید
انتظار داشت از دستنویسهای فارسی چیزی در آن آمده باشد. ولی شاید حق بود که از نسخه‌های
خطی عربی که در ایران نوشته شده است سخنی بیش می‌گفت. از آنچه که به اجمال تمام درباره
نسخه‌های از قرآن مجید در آستان قدس رضوی آورده است.

مباحثی از نوع نسخه‌های خطی که مربوط به سراسر بلاد اسلامی می‌شود وقتی کمال
می‌گیرد که نه تنها متون یا بلکه متروجا مورد مطالعه باشند. زیرا همه کتب عربی در متروجه‌های
عرب زبان نوشته شده است. چه بسا کتابهای عربی که در شهرهای خراسان و ری و فارس و
ماوراءالنهر تا اقصای چین و دریای هند کتابت شده. طباعاً عالمی - یا کاتبی که درین بلاد کتابی را
می‌نوشت از اسباب و ابزار و کاغذی استفاده می‌کرد که همانجا به دست می‌آورد و به آن آداب و
اسلوب و سنتی تحریر می‌کرد که مرسوم آن بلاد می‌بود. بطور مثال در همین کتاب عکس ورقی
از نسخه‌ای است از دیوان بحرری به خط علی بن عبدالله شیرازی است که در ۲۲۴ در تپریز

نوشته است. این خط و کتابت و باید منتسب به عرب دانسته چون کتاب عربی است یا منتسب به تبریز چون در آنجا نوشته شده است. و یا منتسب به شیراز که کتابت تعلیم خط را در آن بلد احتمالاً می باید آموخته باشد. (اگر در شیراز تحصیل کرده باشد) به همین ملاحظه ثابت که مؤلف

خط نسخه طبقات التحریین و اللغویین (زیجری) به خط علی بن شاذان رازی را به درستی به خط کوفی مشرقی معرفی کرده است. (کتابت و خط کوفی مشرقی در ایران و هند و پاکستان) به این ملاحظه یکی از مباحث مهم در شناخت نسخه های خطی اسلامی یورنی جغرافیایی مخطوطات است. بالاخره روزی می باید به این نتیجه رسید که مشخصات کتابت و تنظیم و تجلید هر یک از مناطق فرهنگی قدیم چه صورتی مخصوص به خود داشته است. تبریک به دوست خود ایمن فزاد سید و حدت بهمین به او.

ضرب المثلهای دبی*

بیمت سه و چهار سال می گذشت که از عنایت الله شهوانی شد فاضل افغانی بنی خیر بودم. نمی دانستم به کجای عالم در افتاده است. فضلالی افغانستان پراکنده شدند، از وطن خود آواره شدند و هر یک از گوشه های غراب رفتند. احمد جاوید و سناء الله شاه محمد رحیم الهام، نکست سعیدی، رونان فرهادی، عبدالله سمندر غورین، محمود فارانی، نیلای رحیمی و دو انگلیس و سویس و پاکستان و امریکا و آلمان زندگی می کنند و محمد سرور مولانی، نجیب مایل هروی، آصف فکرت، عشیق کابلی، عبدالکریم غمنا مقیم افرانند. و دهها ده دیگر. این سو و آن سوی عالم. بزرگانی هم چون خلیل الله خلیلی، محمد عثمان صدیقی، عبدالرحمن پژواک، قاسم رشتیا، محمد صدیق فرهنگ، شامروز مایل هروی در غربت در گذشتند. شهرانی از آنهاست که مدتی در پاکستان مانده بود و اکنون در امریکا است. او تحصیل علوم تربیتی کرده است ولی ذوق ادبی و شوق پژوهشهای فرهنگی ندارد و من به این مناسبت او را شناختم. مقالاتش را در مجله های جدی افغانستان می دهم. مخصوصاً آثارش را در مباحث مربوط به فرهنگ عامه دیده بودم. این روزها شاد شدم ازین که کتاب خوبی از او به ارمغان دریافت کردم، نام این کتاب ضرب المثلهای دبی افغانستان است. همان کاری کرده است که دهخدا و بهمنیار و چند تن دیگر در ایران کرده اند.

ایشان از مردم ناحیه بدخشان است. شهران یکی از آلبانی‌ها، آن ضلع است (اصطلاح خودشان را آوردم). از نشرات پیشین او هنر در افغانستان - لغات دری بدخشان - ترانه‌های کهنسار - دو بیتی‌های تاجیکی بدخشان و تخار - که این یکی را انجمن فارسی ایران و پاکستان طبع کرده بود - به یاد می‌آورم.

برین کتاب نورعبدالله سمندر غوریانی و غ. حضرت کوشان و محمد طه کوشان و محمدرحیم الهام تقریظ‌های دلپسندی درباره اهمیت کار شهرانی نوشته‌اند. شهرانی در مقدمه کار خود خواننده را با کیفیت و پشنوانه کار و منابع مؤلف آگاه می‌سازد.

ازین مقدمه درمی‌یابیم که پیش از شهرانی این پژوهشها درباره ضروب المثل‌های رایج در افغانستان انجام شده بوده است.

۱ - ضرب المثل‌های کابلی گردآوری آزاد کابلی (در روزنامه انیس)

۲ - ضرب المثل‌های شعری گردآوری عبدالقدیر پورغنی (چاپ نشده) در ایران مرحوم دکتر رحیم عفیفی مجموعه بسیار شایسته‌ای ازین گونه اشعار گردآورده و چاپ شده است.

۳ - ضرب المثل‌های دری افغانستان گردآوری محمدتقی مقتدری که من آن را در فرهنگ ایران زمین به چاپ رسانیدم.

۴ - سلسله مقالات رایج به ضرب المثلها به قلم اسدالله شعور در مجله فلکلور چاپ کابل.

۵ - ضروب المثلها از دکتر محمدجعفر طاهری (چاپ ویرجینیا در ۱۳۶۹).

۶ - امثال و حکم منظوم گردآوری برهان الدین نامق (هنوز چاپ نشده است) شاید مناسب داشت مؤلف برای آگاهی افغانان گرامی، فهرستی اجمالی هم از اہم کارهایی که در ایران انجام شده است به دنبال سخن خود می‌آورد. اشتراک فرهنگی و زبانی این اقتضاها را دارد (البته در فهرست مآخذ به بعضی از آنها اشاره فرموده‌اند).

شهرانی در مقدمه خود می‌گوید که مآلاً باید ضرب المثل‌های افغانی بر اساس الفبایی کلمات کلیدی آنها ردیف بندی شود (طریقه مالو)، تا به آسانی هر کس مثلی را که در موضوع مطلوب خود می‌خواهد بتواند بیابد، من باید به آگاهی ایشان برسانم که دوست طیب عزیز من آقای دکتر جامی شکیرین گیلانی چنین کار ارجمند و مفید را برای ضروب المثل‌های فارسی آغاز کرده و کتابی به نام «دستان یایب» در دو مجلد منتشر ساخت.

در این مجموعه ۷۳۵۹ ضرب المثل (و گاهی تعبیرات مجمل‌های) گردآوری و بیه ترتیب الفبائی کلمه اول مرتب و میوب است. اگر برای این کتاب ارجمند جدولی از کلمات کلیدی هر ضرب المثل با اشاره به شماره‌ای که کنار ضرب المثلها داده شده است، تهیه شده بود. عتایت آقای شهرانی نسبت به پژوهش در ضروب المثل‌های دری شمولش هلمش و فایدهش خاص تر من شد.

به نمونه از ضرب المثلهای گویندگان از قلمرو زبان فارسی را برای آگاهی خوانندگان نقل می‌کنم.

اگر باد باشد به غار هوش هم می‌رود
به یک نقطه فیل قیل شده

پهلوی بگرد که خبیث شده
تف می‌کند و گویه می‌کند

جنگل بی شغال نیست
حمامی را صد من آب گنده به کار

خربوزه از خربوزه رنگ می‌گیرد
خرس از گویه پایان نمی‌شود

در زمستان از پلوه الو خوب است
زخم بد جور می‌شود، گپ بد نمی‌رود

تاریخ جنگلهای ایران نوشته آبراهام ایروانی

از در مجموعه مطالعات ارمنی انتشارات مزدا نوامین مجلد منتشر شد. این کتاب نوشته آبراهام ایروانی است. موضوع کتاب شرح و تفسیر جنگلهای است که در دوره شاه طهماسب دوم و زمان قدرت‌گیری نادر افشار در قبایل تصرفات عثمانیها و افغانها به وجود آمده بود و به پادشاهی نادر منجر شد. این کتاب به زبان ارمنی است. محقق هوشمند ارمنی جورج بورتوسیان آن را به انگلیسی در آورده و با مقدمه و توضیحات و فهرست اعلام به اسلوب کتب علمی انتشار داده است. نام انگلیسی آن چنین است:

Abraham of Erevan - History of the Wars 1721 - 1738. Costa Mesa, 1999. 111p.

کتاب کوچک اما فایده بخش است. زیرا منابع غیر فارسی درباره این دوره آن هم درباره منطقه قفقاز مخصوصاً ارمنستان نادر است. البته نوشته‌ای از ارمنی دیگری موسوم به پطرس دی سرکیس گیلانتز از وقایع سال ۱۷۲۲ در دست است که به انگلیسی و فارسی هم ترجمه شده است. همچنین این کتاب اخبار تألیف آبراهام کرتی که هلمین جورج بورتوسیان به تازگی آن را به انگلیسی ترجمه کرده است (Costa Mesa 1999).

نسخه کتاب مورد سخن به خط مؤلف است. متعلق به مجموعه‌ای در جزیره سن لازار نزدیک ونیز. نوشته اشتباهات تلفظی و دستوری دارد. مؤلف مقدونی کلمات فارسی و ترکی در نوشته

خود - به لهجه ارمنی ایروان - آورده است. مطالبش از هفته افغانها (۱۷۲۱) آغاز می شود و به تسلط افغانها در قندهار (۱۷۳۸) پایان می گیرد. فصلی از این کتاب به نام «اینا لگو»

در عهد لویی چهاردهم به تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۶۶۹ بنا به درخواست اطلاق تجارت مارسیل دستوری از کلبه صدور یافت و مدرسه ای برای تربیت متوجه دو استان بول زبانهای ترکی، عربی و فارسی به نام L' Ecole des Jeunes de Langues تأسیس شد.

بعد درسی ام طومس ۱۷۹۵ مدرسه مخصوص زبانهای زنده شرقی در فرانسه تشکیل شد L' Ecole Speciale des Langues Orientales Vivantes.

مدرسه مذکور از آن زمان تا اکنون چند بار تغییر نام داده است به این ترتیب:

L' Ecole des Langues Orientales

L'Ecole Nationale des Langues Orientales Vivantes (ENLOV) (از سال ۱۹۱۴ چنین شد)

Le Centre Universitaire des Langues Orientales Vivantes (در سال ۱۹۶۹)

"Langues O" (از ۱۹۷۶)

L' Institut National des Langues et Civilisations Orientales (INALCO)

این مؤسسه در ۱۹۹۵ مجمعی به نام زبانها و قدرت، به مناسبت دویستمین سال تأسیس مدرسه تشکیل داده بود. اخیراً مجموعه خطابه های آن مجمع را در کتابی به نام Langues et Pouvoir, de l' Afrique du Nord à L' Extreme - Orient به اهتمام سالم شاکرا چاپ کرده است.

مقاله ها در شش بخش است: افریقا و خاورمیانه - قلمرو عثمانی - بالکان و ترکیه - روسیه -

اقمار موسیقی پیشین - شبه قاره هند - آسیای جنوب شرقی و شرق اقصی - در بخش خاورمیانه

از زبان عربی در مصر، ملیت خواهی در میان اعراب - نهضت عبری - گزاینی صحبت شده است.

ولی از زبان فارسی یادی و صحبتی نشده است. عجباً درباره زبان ترکی شش خطابه هست.

در بخش مربوط به شبه قاره یک مقاله به شعر اقبال و تشکیل پلکستاق اختصاص دارد. مگر

آنجا صحبتی از زبان فارسی به میان آمده باشد.

فرصت الدوله سوار اسب

دوست گرامی آقای خسرو طفرل نواده پسری محمدعلی مبشر دیوان کاشانی و نواده دختری

جهانشاه خان امیر افشار زنجان، تعدادی عکس از خاتمان خود در اختیار من گذارده است که در

جلد دوم «گنجینه عکسهای ایران» - اگر ناشری اقدام به چاپ آن بکند - به چاپ خواهد رسید. در

میان آنها قطعه عکسی است از فرصت الدوله شیرازی با پدر همین آقای طفرل چون عکس

فرصت الدوله سوزا بر اسب (دو ۱۳۴۸ قمری) دیده نشده است آن را در اینجا چنانچه می بینیم
فرصت الدوله نقاش و شاعر و موسیقی دان و محقق چو به بعد تجدید نظر آراسته بود. بهر حال نقاش آن
است هر چه درباره او به دست می آید چاپ شود و بماند.

پدر آقای طغزل فضل الله خان مؤید السلطان نام داشت. فرزند میرزا محمد علی خان کاشانی
به پیشرو دیوان بوده این لقب را ناظم الدوله حکمران غارخان بر او استفاده کرده (طبق فرمان
موجود). محمد علی شاگرد مدرسه علمای فنون بود و اغلب خط او اقله بود ولی در اسناد و اسناد دولتی
او در اداره گلگراف بوده است. او در زمان دو شیراز رئیس پستخانه بوده به همین مناسبت با
فرصه الدوله دوست و معاشر شده بود. دوستی میان آنها با عنوان شکر و شکر و طبع شعر می بود
که محمد علی خان داشت و در شعر و غبار تخلیص می کرد. دیوان او به خط خود او در دست آقای
طغزل است. چهار در شعر توانا بوده بیشتر غزل می سرود. زمانی که غبار ظاهر از امین الدوله
(رئیس خود) رنجش پدید آمده بود این ابیات را می گویند: (۲۰۷۱) (۲۰۷۲) (۲۰۷۳) (۲۰۷۴)
ای شاهنشاه جهان تا کتی شکا و اوجا خود را از انبیا از غفلت رعیت هلم کجی آگاه بود
توبه بکوه و داشت تو فکر شکار جزگه ای از شکار خانگی زندان بر آوردند دود
بالله ازین بجا کز آنکه آنچه بسزا می نمود و بسیدان (شازکیده) هنیچگاه اوله (شکر) صر آب نمود
خلق می گویند امین الدوله ز آنها بهتر نیستند و این نیز به الله هیچ بهتر از آن که بود
ناصرالدین شاه دستور داد او را محبوب زنده بماند مدتی بهم در وزارت و وظایف و اوقاف که
امین الدوله آنها را در عهد تصدیق داشت بعد از آنکه در سال ۱۲۸۲ قمری منقضی تنظیمات
حسنه و لایحه یزد بود. در سال ۱۲۸۳ قمری در وقت که ناصرالدین شاه در راه بود و در راه
ذکر غبار و شعرش در تذکره شعاعیه و آثار عجم فرصه الدوله بفرج اسبته این را می
محمد علی خان فرزندش داشت. به مقام فضل الله (پدر آقای طغزل) که دو هوره اقامت شیراز
سین شهاب را می گذراند و زیر دست فرصه الدوله نقاشی می نمود و به نیت پیر و نحوه عکس
فرصه الدوله با همین فضل الله بی خانم خود بستند در مالکیت خود و در راه
محمد علی کاشانی بعدها رئیس پستخانه زنجان شده بود و با امیر جهانشاه ایران مافلس
(متوفی ۱۳۴۷ قمری) مرد مقتدر آن خطه و مالک آبادیهای متعدد و از رجال سرشناس وقت
دوستی پیدا کرد تا بدانجا که فضل الله خان به دامادی امیر می رسد. کاشانی در سال ۱۳۴۱ هنگام
بلوک گردشی در قید او قات کرد و در تبریز قید او را به خاک سپرده شد. استیگ قید او را در
صحن زیارت مذکور دیدیم. فضل الله خان لقب مؤید السلطان داشت و در ۱۳۴۱ قمری
درگذشت. در این زمان که ناصرالدین شاه در راه بود و در راه
چون صحبت از نقاشی مؤید السلطان شد مناسبت است صورت نقاشی که او در عهد شاه

خان افشار کشیده اینست. به سال ۱۳۵۳، شصت و نه روز در زندان محبوس بود و بعد از آن بیایه ابو بصیر بود.
 مذکور نوشته شده است که در روز شنبه ۱۳۵۳ در مشهد و در روز شنبه ۱۳۵۳ در مشهد و در روز شنبه ۱۳۵۳ در مشهد
 تسمثال بیسی مثاله جهانیش ناممیتوراد. این آفرین فضل و توان جوانی به گیتی صلح زده بود
 از عصر یسیر چسبند روزی در روزی عکس یکمک الملویین و وقتم زده
 آقای طغرل عکس پرده نقاشی از صورت من محمد علی خلیق میسر و پلان و ککه موجود است نیز
 به مرغ التفات کرد چون نمونه ای از صورت کشی عصر قاجاری است به چلیبا می رساند. ایمنوس
 که نقاشی نام خود را بر قلم لکون است نیز عکس نوشته شده. موجود میزبان محمد علی میسر
 الدیوان کاشانی منخلص به ضیاء در سنه ۱۲۵۱ در کاشان مولود و در شوال سنه ۱۳۲۱ در خمسه
 جهان فانی را وداع گفت.

درگذشت آستانه‌ای

مهدی آستانه‌ای از جرگه ادبا و فضلالی گیلان جان به جان آفرین سپرده (اواخر دی ۱۳۷۸) بود.

ادبا و فضلالی محلی از ذخائر میدان ایران شناسی اند. غالب کتابهای مهم درباره شهرها و آبادیها اثر علم و ذوق و آگاهی محلی آنهاست. نگاه کنید به کتاب کم مانند کرمانشاه از محمد علی سلطانی در پنج مجلد. نگاه کنید به کتابهای دانشمند فقید ابراهیم دهگان درباره اراک. همین دو مثال کافی است و ضرورت ندارد بیش ازین نام بیاورم. این طریق تحقیق و پرورش یافتن در تألیف کتب محلی سنت این سرزمین بود. مگر افن فندق مؤلف تاریخ بیهقی و ابن اسفندیار از آن قبیل و قبیله نبوده اند.

بلی ادبا و فضلالی محلی ذخائر ایران شناسی اند بنیاد ایران شناسی که ازین پس در هر شهری شعبه‌ای خواهد داشت می تواند از همین افراد مایه بگیرد و پایه کارهای پژوهشی را بریزد. در این میان نباید فقط چشم به دانشگاهیان داشت، آن طور که درگذشته بود. باید فضلا و ادبای محلی را شناخت و قدر گذاشت.

یکی همین مهدی آستانه‌ای بود. از خاندان معتبری بود. پدرش سرشناس بود. خودش یک دوره وکیل مجلس بود. در استان گیلان نام آوری داشت. در زراعت چای و تجارت آن از مطلعان و متخصصان بود. نوشته‌هایی در آن باره دارد که مقداری را به چاپ رسانده و از جمله در مجله آینده چاپ شده است.

اطلاعات تاریخی قاجاری او درباره خطه دارالمرز - از تنکابن تا تالش - کم مانند بود. درباره همه بزرگان و اعیان و اشراف و سرکردگان آنجا گنجینه‌ای از مطالبی بود که در کتابها نیست، از

تاریخ و خاطره و طرفه و ظرفه. آنچه درین زمینه جای جای به نوشته در آورده برای شناخت افرادی چون سپهسالار تنکابنی و سپهدار رشتی و میرزا کریم خان و سردار معتمد و سردار مقتدر و دهها تن دیگر از رجال، نکته‌ها در بردارد. چاشنی نوشته‌هایش دانسته‌هایی بود محلی و برگرفته از افواه داندگان. خوش سخن و بدیع نگار هم بود. چندسال پیش زمانی مفصل نوشت و نشر کرد که حوادث مندرج در آن مربوط به گیلان است.

ارادتش پرمایه به استاد فرهنگ ایران باستان ابراهیم پورداود داشتند. باری نبود که با هم باشیم و او یادی به سزاواری از پورداود نکند. این هم از بزرگی‌ها و خصلتهای خوب کریمانه او بود. در جمع دوستان خود مایه گرمی، محفل بود. در گذشتش موجب دریغ است. یادش به پایداری بماناد و روانش شاد باد.